

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هفتم. شماره ۲۸. تابستان ۱۳۹۵

صفحات: ۷۵-۸۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۸/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۴

بررسی مبانی دینی زیبایی گرائی مُد در پوشش و آرایش زنان

سید حسام الدین حسینی*
فاطمه خرمائی**

چکیده

مدگرایی در پوشش و آرایش از موضوعات اجتماعی است که پیامدهای آن به خصوص در قرن حاضر بسیاری از جوامع را متأثر ساخته است. مدگرایی افراطی می تواند موجب تخریب بافت سنتی اجتماع گردد. تمایل به پیروی از الگو از علل مدگرایی محسوب می گردد. آنچه در موضوع این نوشتار اهمیت دارد و از اهداف آن شمرده می شود، تبیین الگوهای رفتاری شخصیت های دینی و اسلامی در خصوص موضوع پوشش و آراستگی و ارائه مصادیقی از آن در جامعه زنان، است. همچنین تبیین ضرورت عدم پیروی از الگوهای پوشش و آرایش زنان غیرمسلمانان جهت پیشگیری از افتادن در دام مدگرایی افراطی و تشویق جوانان به پیروی از هنجارهای اجتماعی بومی فرهنگ خود و تأثیرپذیری از فضای خانواده، و ارائه الگویی سالم در مقابل الگوهای ناسالم و ناهمگون با فرهنگ دینی و بومی جامعه از جمله اهداف این تحقیق است. در بررسی های انجام شده معلوم شد از عوامل مدگرایی، تنوع طلبی و حس زیبایی طلبی است. علاوه بر این، تبلیغات وسیع دنیای سرمایه داری برای ترویج فرهنگ مصرف گرایی، از موجبات گسترش مدگرایی است. در میانه این تبلیغات، هویت زن مورد هجومه واقع شده که این مسئله، نیاز روزافزون به توجه به آموزه های اسلام درباره حجاب و حریم زن را یادآور می شود. از جمله عوامل درونی گرایش به مد تمایل به تفاخر است که قرآن کریم از آن به تبرج یاد کرده و از آن پرهیز می دهد. رسانه های متعدد دنیای امروز، نیازهای ذاتی انسان به خصوص حجاب زن را مورد هدف قرار داده و فرهنگ برهنگی را تبلیغ می کنند که این امر در بستر مدگرایی در حال انجام است. پیامدهای مدگرایی را می توان در مصرف گرایی و اسراف، کم رنگ شدن نقش سازنده زن مسلمان، گسترش فساد، و به حاشیه رفتن سبک اصیل زندگی اسلامی خلاصه کرد. بررسی آسیب های ناشی از مدگرایی و ریشه یابی آنها و تشخیص ضرورت های توجه به این امر و یافتن راهکارهای اصلاح وضع موجود از اهداف مقاله حاضر است.

کلید واژگان: مبانی دینی، زیبایی گرائی مُد، پوشش، آرایش زنان

* استادیار گروه دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسؤل، ایمیل: shesamhos@seini@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصول دین، دزفول، ایران.
این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه خرمائی می باشد.

مقدمه

انسان همواره، به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی، تنوع طلب و نوگرا است. یکی از قلمروهای این تنوع طلبی، تنوع در پوشش و زینت کردن است. دین مبین اسلام به عنوان دینی جامع و جاودان نه تنها با گرایش های ذاتی آدمی مخالفت نکرده؛ بلکه با بیان چارچوب ها و ارائه الگوی عملی، به این میل درونی جهت و عمق بخشیده است؛ از این رو در معارف دینی و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) برای پوشش و آرایش، حدود و مرزهایی تعیین شده تا از افراط و تفریط جلوگیری شود. (موسوی، ۱۳۹۲: ۸۱) در حقیقت، اسلام مقررات خاصی در خصوص پیروی از الگو و اسوه داشته و باید ها و نبایدهایی را برای تعیین حدود آن تعیین نموده است و این مسئله در جزئیاتی از جمله سبک لباس پوشیدن، شیوه رفتار ظاهری، نوع زیور و زینت و نحوه استفاده از آن، و حد و مرز حجاب و آرایش مصداق یافته است. مسئله پوشش و آرایش البته برای جوانان و نوجوانان بسیار مطرح و توجه به آن حیاتی و مهم است و در احادیث و روایات نیز، توصیه های خاصی به جوانان در این خصوص مطرح شده است. ما نهیم^۱ (۱۸۹۳) از اندیشمندان غربی معتقد است گاهی نسل جوان چنان الگوی دقیقی در ذهن خود متصور است که به نظر می رسد صاحب ایدئولوژی متمایزی است. ایدئولوژی عبارت از مجموعه منسجم افکاری که رفتار افراد و گروه های اجتماعی را تعیین می کند بنابراین نسل جوان، برای فاصله گرفتن از ایدئولوژی مسلط، می توانند افکار تازه ای اتخاذ کنند که این بین جوانان غربی در سالهای دهه ۱۹۶۰ میلادی و اوایل دهه هفتاد رایج شد (نقل از وندرزدن^۲، ترجمه گنجی، ۱۳۸۶: ۱۹۲) شاید مشهودترین نمود مدگرایی را بتوان در پوشش و آرایش دید. زیبایی ظاهری و شکل دهی به لباس و چهره، بهترین ابزار برای نمایش الگوهای رایج مد می باشد که در جوامع مختلف به صورت دوره ای و به تناوب، به روز شده و هر از چندگاهی الگوهای جدیدی معرفی و رایج می گردد. اینکه مُد چیست و دارای چه منشأ اجتماعی و عرفی می باشد و اینکه علل و عوامل رواج و گرایش به آن چیست از مباحث مهم است و نیز در ادامه به ضرورت و اهمیت پیروی از الگو و اسوه و نتایج و آثار داشتن الگو خواهیم پرداخت.

چیستی مد و مدگرایی

کلمه «مد»^۳ واژه ای فرانسوی است و در زبان فرانسه به معنی طرز، اسلوب، عادت، شیوه، سلیقه، روش، رسم، و باب روز آمده است. مد از ریشه لاتین Modus گرفته شده است. این واژه پس از جنگ جهانی اول، به دنبال نفوذ تمدن غرب، وارد زبان فارسی شد (رفعت

۱. Mannheim

۲. Vander Zanden

۳. Mode

جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۸). در زبان انگلیسی اصطلاح fashion برای مد به کار می رود و تقریباً همان تعاریفی که برای مد در زبان فارسی و فرانسه آورده شد در ذیل این واژه نیز به کار می رود. روشی برای لباس پوشیدن، رفتار کردن، دکوراسیون یا یک علاقه که مد نظر قرار می گیرد (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۹). تعاریف گوناگونی برای مد و مدگرایی ارائه شده است. از جمله: «مد»ها الگوهای فرهنگی ای هستند که توسط بخشی از جامعه پذیرفته می شوند و دارای یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه اند، سپس فراموش می شوند. «مدگرایی» آن است که فرد، سبک لباس پوشیدن و طرز زندگی و رفتار خود را طبق آخرین الگوها تنظیم کند و به محض آن که الگوی جدیدی در جامعه رواج یافت، از آن یکی پیروی نماید. «مد» رایج شدن شیوه ای از زینت در ابعاد مختلف زندگی است. مانند طرز لباس پوشیدن، طرز آرایش، طرز چیدمان دکور خانه، شیوه نماسازی ساختمان و مدل ماشین (واگو^۱، ترجمه غروی زاد، ۱۳۷۳: ۱۹۶). با اندکی دقت پی برده می شود که مد به جنبه زینت و تجمل زندگی یا به عبارت دیگر به جنبه زیباشناختی زندگی انسان مربوط می شود، مانند لباس که کارکردهای گوناگون دارد از جمله حفظ از سرما و گرما که یکی از آنها جنبه زینت بودن آن است (هاشم زاده، ۱۳۸۹: ۱۴). مد به عنوان پدیده ای اجتماعی مختص جامعه و فرهنگ خاصی نیست و پیدایش و افول مد، پنج مرحله شامل آفرینش مد، معرفی مد، تبلیغ مد، تولید انبوه و مرحله تقاضا برای مد جدید را طی می کند. بهره برداری نظام سرمایه داری از رواج مد، منجر به تغییرات فرهنگی اجتماعی در کشورهای مخاطب می گردد. علل گرایش مردم خصوصاً زنان به مد از رویکردهای مختلفی قابل تبیین است. در دیدگاه روانشناسی نیاز انسان ها به خودنمایی و زیبایی زمینه مدگرایی را فراهم می سازد. بر مبنای دیدگاه جامعه شناختی، مقولاتی چون الگو و فرهنگ مصرف، سبک زندگی، رهبران مد، در تبیین گرایش به مد مطرح می شود. بی تردید پدیده مد با طبقه اقتصادی و اجتماعی افراد، نقش رسانه های جمعی، فرآیند جهانی سازی و نظام سرمایه داری مرتبط است. برجستگی مد در هویت بخشی به زنان و پارادوکس توجه به جسم و روح، زنان را با چالش های هویتی در ابعاد مختلف مواجه می سازد که این مسئله نیازمند سیاست گذاری های فرهنگی است (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۵). در جامعه ابتدایی که هنوز طبقه های اجتماعی شکل نگرفته بود و رقابت اقتصادی وجود نداشت، زنان و مردان، بدن هایشان را رنگ آمیزی و زینت می کردند که البته این مسئله، ارتباطی به مقوله زیبایی نداشت. در آن زمان لازم بود همه افرادی که به دلیل قرابت، متعلق به گروه مشخصی بودند، خود را به شکل خاصی «نشانه گذاری» کنند. این نشانه ها، تنها به زینت آلات، انگشتر، النگو و مانند آن محدود نمی شد، بلکه به صورت شکاف و بریدگی هایی بر روی بدن، خال کوبی و رنگ آمیزی به شکل های مختلف خودنمایی می کرد. این نشانه ها نه تنها جنسیت هر فرد را تعیین می کرد، بلکه تعیین کننده گروه و موقعیت کاری هر فرد از دوره کودکی تا پیری بود. با

۱. Wahoo

شکل گیری جامعه طبقاتی این نشانه ها دگرگون گردید و به مد و آرایش تبدیل شد و دیگر بیان گر نابرابری اجتماعی نبود، بلکه به عنوان نشانه تعلقات قومی، قبیله ای و گروهی تلقی می گردید (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۶). به هر روی، مد و مدگرایی چه به عنوان یک پدیده اجتماعی برخاسته از تمدن جدید و چه به عنوان یک هنجار دیرین و ریشه دار در سنن و باورهای بشری، در حال حاضر و در دنیای امروز، پدیده ای است که موجب تغییر فضای عمومی و در نتیجه پیامدهای متعددی در بافت اجتماعی به خصوص در کشورهای اسلامی شده است و در بسیاری از مصادیق آن، تنافر و ضدیت با فرهنگ بومی و اسلامی این کشورها را به ارمغان آورده است.

تفاوت آراستگی و مدگرایی و تنوع طلبی

گرایش به «آراستگی» از ویژگی های ممتاز انسان به ویژه در دوران جوانی است و اهمیت ندادن به آن پیامدهای نگران کننده ای دارد؛ زیرا تجربه نشان داده است آن دسته از جوانانی که به زیبایی و آراستگی خود اهمیت نمی دهند، گرفتار احساس حقارت و افسردگی می شوند. همانطور که خداوند در آیه ۳۱ سوره اعراف یک قانون همگانی را به انسان ها می فرماید و در آیه بعد یعنی آیه ۳۲ سوره اعراف بالحن تندتری در پاسخ افرادی که زینت ها و غذاهای پاکیزه را به نشانه زهد حرام می دانستند، واکنش نشان می دهد. «بنابراین اسلام نه تنها مخالفی با آراستگی ندارد بلکه به اینکار تشویق می کند: ان الله يحب الجمال والتجمل. خداوند زیبایی و زیبایی گرائی را دوست دارد» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۹۵).

اصول آراستگی از دیدگاه اسلام

یکی از مهم ترین اصول آراستگی از دیدگاه اسلام شامل پاکیزگی و نظافت لباس است زیرا، پاکیزگی و نظافت لباس ظاهر، از مهمترین نشانه های شخصیت و فرهنگ انسان است، زیرا در عصر جاهلیت، کمتر از آلودگیها اجتناب می نمودند و لباسهای بسیار آلوده داشتند (بابائی، ۱۳۸۲ ج ۵: ۳۲۳) و در حدیثی آمده هر لباسی می پوشید باید آن را تمیز و نظیف نگه دارید (طبرسی، ۱۳۴۴: ۲۶۳). بنابراین هر نوع پوششی، چه سنتی و چه با مد روز، اگر با اصل پاکیزگی منافات داشته باشد، از سوی اسلام مردود است. همچنین از اصول دیگر آراستگی و مرتب بودن، رعایت عفاف و حیا، رعایت عرف جامعه اسلامی و رعایت جنسیت است. با توجه به ملاک های گفته شده باید این را در نظر داشت که نگاه جامع و کامل اسلام نسبت به یکنواخت نبودن و تغییر در آراستگی با توجه به متغیرهایی مانند مقتضیات زمانی، موقعیت خاص فردی، وضعیت معیشتی و جایگاه اجتماعی افراد (با در نظر گرفتن آزادی سلاقی شخصی مسلمانان در انتخاب پوشش و آرایش) را اینگونه تفسیر می کند که دین اسلام برای نیازهای ثابت بشر، قوانین ثابت و برای احتیاجات متغیر وی، وضع متغیری در نظر گرفته و در

ضمن برای مصونیت مسلمانان نسبت به فراموش کردن و از دست دادن هویت ملی و دینی و همچنین در امان ماندن از افراط و تفریط در خودآرایی، اصول ثابتی برای تمام افراد مشخص کرده است که با بررسی آموزه های اسلام در باب آراستگی به عنوان نمونه به مواردی اشاره می شود:

۱- امر به پوشیدن لباس تمیز و مرتب مانند آیه «وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ» (مدثر، ۴) زیرا جامه پاکیزه غم را می زداید (کلینی، ۱۰۴۷ ج ۶: ۴۴۴). لباس مناسب و همچنین چهره آراسته برای ظاهر شدن در اجتماع همانطور که پیغمبر اسلام موقع خروج از خانه در آب می نگرستند و خود را آراسته می کردند، معطر کردن بدن و پوشیدن لباس زیبا و پاکیزه مانند امام حسن و امام باقر و صادق علیهما السلام (کلینی، ۱۰۴۷ ج ۶: ۴۴۲).

رسیدگی به آرایش سر و صورت: پیراستن و تمیز و مرتب کردن موهای سر و صورت و روغن مالی موهای خود، به آراستگی انسان می افزاید، همانطور که پیامبر فرموده: موی خوب از پوشش های الهی است پس آن را عزیز بدارید (ابن حیون، ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۲۵) و در اصلاح کردن صورت، ضمن مرتب کردن ریش و شارب، از بلند و بی قواره شدن پرهیزد. زیرا دین اسلام ریش و موی بلند و ژولیده را نمی پسندد و تاکید ویژه ای بر پاکیزگی و آراستگی سر و صورت دارد و در حدیثی از پیامبر اینگونه آمده که خداوند شخص آلوده و ژولیده را دشمن دارد (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۰۴). زیرا اسلام علاوه بر نظافت شخص، به آراستگی ظاهر به عنوان امر مهم توجه داشته است.

استعمال بوی خوش، از اخلاق پیامبران است، زیرا پیامبر اسلام هزینه ای که برای خرید عطر می کردند بیش از هزینه ای بود که برای غذا صرف می کردند (طبرسی، ۱۳۶۴: ۳۵). پیشوایان ما آراستگی را با ساده زیستی جمع کرده بودند به گونه ای که:

الف) تن پوش پیامبر (ص) با لباس متعارف مردم هم عصرش تفاوتی نداشت، اما این نوع لباس پوشیدن ساده و سختگیر نبودن به معنای بی انضباتی نبود، بلکه ایشان بسیار منظم بودند و هنگامی که هیأتی بر ایشان وارد می شدند، زیباترین لباسشان را می پوشیدند (موسوی، ۱۳۹۲: ۳۶).

ب) یاسر خادم امام رضا (ع) می گوید: حضرت به من گفت لباسی از خز برای خود بخرید و اگر خواستید جامه نقش دار تهیه کنید. گفتم: هر پارچه نقش داری؟ زیرا پارچه نقش داری که پنبه ای نباشد می گویند حرام است. فرمودند: تو پنبه ای پوش (موسوی، ۱۳۹۲: ۳۶) در روایت دیگری آمده است: «وَلْبُسَةُ الْغَلِيظِ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ». و این در حالی بود که لباس خودش خشن بود و هنگام بیرون رفتن و برخورد با مردم خود را مزین و مرتب می نمود (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ج ۲: ۱۷۸). همچنین امام رضا محاسن خود را با خضاب سیاه می کرد و عطر و شانه کردن مو برایش مهم بود و از عود هندی و چینی بخور می کرد و مشک و گلاب استعمال می نمود (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ج ۲: ۴۱۸).

تنوع طلبی در اسلام:

تنوع طلبی در اسلام نمودهایی شامل موارد زیر داشته است:
 استفاده از لباس های رنگی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۴۷).
 استفاده از لباس خز (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۵۷).
 استفاده از عطرهاى مختلف مثل مشک و گلاب، (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۶۷).
 لباس زیاد و متنوع داشتن اسراف نیست بلکه هر مجلس و مکانی لباس خاص خود را می طلبد.

با توجه به موقعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی می شود از لباس های مختلف استفاده کرد و اسراف نیست (لَيْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ) (طلاق، ۷). آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند.

نهی بر استفاده از لباس مشکی جز در عزاداری ها و چادر بانوان و همانطور که پیامبر فرمودند در عبا و عمامه و کفش می توان از این رنگ پوشش استفاده کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۳).

مدهای اسلامی:

۱- استفاده از پوشش مشکی در عزاداری ها؛ هنگام شهادت امام علی، امام حسن لباس مشکی به تن کردند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۲۲) و دیگر اینکه زنان بنی هاشم، هنگام شهادت امام حسین (ع) لباس مشکی بر تن کردند و از آن زمان استفاده از لباس مشکی به صورت یک سنت و رسم در آمد، که هنگام عزای ائمه استفاده می شد.

۲- ناخن بلند برای زنان زیباتر است. (کلینی، ۱۰۴۷، ج ۶: ۴۹۲): البته به شرط نظافت و پوشاندن از نامحرم.

۳- انگشتر کردن به دست راست که نشانه شیعه بودن است، آن هم دو انگشت سمت راست، و نهی استفاده از انگشتر در انگشت وسط و سبابه، (طبرسی، ۱۳۷۰: ۹۳): همچنین حدیث داریم درباره نگین انگشتر که از یاقوت و عقیق و فیروزه و درهای سپید نجف و حدید چینی باشد، که هر کدام فواید خود را دارد (شعیری، بی تا: ۱۳۵):

۴- استعمال عطر برای مردان و زنان.

۵- مدل کفش (طبرسی، ۱۳۶۴: ۲۶۲):

در باب اینکه آیا اسلام تنها یک مدل ثابت را می پسندد یا تغییر را هم می پذیرد مواردی ذکر می شود که بسته به موقعیت های مختلف بعضی لباس ها تغییر می کند:

۱- مقتضیات زمانی: با توجه به پیشرفت صنایع در طراحی و دوخت و همچنین تنوع در بافت پارچه و ساخت لوازم آرایش و بهتر شدن شرایط اقتصادی و فرهنگی جوامع، در نوع

پوشش و آرایش افراد تغییراتی با توجه به مقتضیات زمان رخ می دهد. امامان معصوم ما هم به عنوان الگوی رفتاری مسلمانان، خود را با این پوشش در بستر زمان وفق می دادند، همانطور که امام صادق فرمودند: خیر لباس کل زمان، لباس اهل (موسوی، ۱۳۹۲: ۳۷). و شخصی از امام صادق (ع) درباره نوع لباسش پرسید که چرا امام علی (ع) لباس خشن می پوشید و شما لباس مروی به تن دارید که امام پاسخ می دهند آن موقع مردم در فقر و تنگدستی بودند ولی چون روزگار فراخی رسید نیکان زمان به آن شایسته ترند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۹۷).

۲- موقعیت فردی و خانوادگی: درباره نوع لباسی که مردم می توانند بپوشند، بستگی به موقعیت خانوادگی دارد یک نوع لباسی است که زن و شوهر برای هم می پوشند و دیگری لباسی است که بواسطه موقعیت شغلی و محیطی که شخص در آن کار می کند، که ممکن است لباس کارگری یا کارمندی باشد در هر صورت باید متناسب با شأن آن مکان باشد و نوع سوم لباسی است که در جمع دوستان و مهمانی ها نزد فامیل پوشیده می شود. از دیگر موارد می توان به وضعیت اقتصادی، سلیقه شخصی، شرایط سنی اشاره کرد.

با توجه به شرایط مختلف ذکر شده، انسان می تواند بنا به شرایط متفاوت از لباس های گوناگون و متنوع و منطبق بر شاخصه دین مداری استفاده کند، همانطور که در آیه آمده از لذتها یعنی خوراکی و پوشیدنی های حلال پروردگار استفاده کنید.

الگوهای دینی پوشش و آراستگی

دین اسلام، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت معصومینش (علیهم السلام) را به عنوان الگوهای رفتاری در همه زمان ها معرفی می کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ (احزاب، ۲۱) مسلما برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.

معنای آیه فوق چنین است که بهترین الگو برای شما در تمام زندگی، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است. این ناخدای بزرگ به هنگامی که سفینه اش گرفتار سخت ترین طوفانها، می شود کمترین ضعف و سستی و دستپاچگی به خود راه نمی دهد، او هم ناخداست هم لنگر مطمئن این کشتی، هم چراغ هدایت است، و هم مایه آرامش و راحت روح و جان سرنشینان. این آیه مفهومش این است که برای شما در پیامبر صلی الله علیه و آله تاسی و پیروی خوبی است، می توانید با اقتدا کردن به او در گفتار و رفتار، خطوط خود را اصلاح و در مسیر «صراط مستقیم» قرار گیرید (بابائی، ۱۳۸۲ ج ۳: ۶۰۰).

حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نیز، چنین الگوی خود را زهرای مرضیه (سلام الله علیها) معرفی می نماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۶).

بر همین اساس، الگوهای رفتاری خاصی از ابتدا در میان جوامع مذهبی مسلمان در قالب

پوشش اسلامی و نیز آراستگی بر مبنای آموزه های اسلام، رایج گشت که مباحث دامنه داری در خلال کتب فقهی و کلامی درباره آنها در گرفت. شاید مصطلح ترین واژه ای که در قاموس فرهنگ مذهبی اسلام برای پوشش به کار رفته، «حجاب» باشد. حجاب به معنای پوشش و آنچه به وسیله آن خود را می پوشانند و نیز حایل بین دو چیز است. حجاب را به «ستر» تعبیر کرده اند و بدین ترتیب «حجبه» یعنی پوشانید. به همین ترتیب عبارت «امرأه محجبه» به زنی که با «ستر» و پوششی خود را بپوشاند معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ج ۱: ۲۹۸). در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای پرده، چادر، روپوش و روبنده ذکر شده و آنچه با آن چیزی را بپوشانند و همچنین، چیزی که مانع بین دو چیز دیگر باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۴۴۹). در برخی آیات و روایات، واژه حجاب به معنای لغوی آن به کار رفته است. از جمله: «وَيَبْنِيهِمَا حِجَابٌ؛ و میان آن دو (گروه) حایلی است» (اعراف، ۴۶). در سوره اسراء نیز اینگونه آمده «وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، پرده ای پوشیده قرار می دهیم (اسراء، ۴۵).

از میان هفت موردی که در قرآن کلمه حجاب به کار رفته، تنها آیه ای که در رابطه با زنان آمده، در سوره مبارکه احزاب است که می فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب، ۵۳) و هنگامی که متاع و کالا از آنان (همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده بخواهید. در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی، هر جا نام «آیه حجاب» آمده مقصود همین آیه می باشد که مربوط به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۴). استاد مرتضی مطهری حجاب را چنین معرفی می نماید: «کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اهل لغت هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت می گیرد.» (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۴).

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که استعمال کلمه حجاب برای پوشش یک کاربرد نسبتاً جدید است زیرا که در اصطلاح فقها و مفسرین متأخر و نویسندگان معاصر کلمه «ستر» به معنای پوشش آمده است نه کلمه حجاب. همانطور که گفته شد کلمه حجاب به معنی پرده است و وقتی درباره پوشش زن بکار برود به معنی پشت پرده واقع شدن زن است و همین باعث شده عده ای اینگونه برداشت کنند که اسلام زن را پشت پرده و محبوس در خانه می خواهد (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۳). بنابراین، داشتن پوشش اسلامی، نه تنها به معنای خانه نشینی زنان نیست، بلکه کیفیت حضور زن را در عرصه های عمومی و اجتماعی تبیین میکند.

با توجه به آنچه گذشت، استفاده از واژه «ساتر» برای پوشش برترین معادل است، همانطور که فقها آن را برای پوشش مطرح کرده اند، لیکن باید توجه داشت که به منظور پاک ماندن محیط اجتماعی، اسلام در کنار توصیه ی زنان به خود آرایی، به حجاب و پوشاندن زینت ها و

زیبایی ها و عدم تبرج و خودنمایی در مقابل نامحرم نیز دستور داده است، چون نمایش زینت ها و لباس های زیبا باعث تحریک و تهییج می شود (مهدی زاده، ۱۳۸۲: ۲۰).

در قرآن کریم، آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب و آیه ۳۱ سوره مبارکه نور به حدود پوشش، نحوه و نوع پوشش زنان اشاره کرده است. به عنوان نمونه از جلباب یاد شده. جلباب جامه ای است که از چارقد بزرگ تر و از عبا کوچک تر، که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می پوشاند. گذشته از این با توجه به شأن نزول آیه و دستور پوشیدن زینت ها و پوشاندن حجم بدن تنها با چادر و امثال آن ممکن است. و مطابق با تفاسیر زن باید مو، سینه، دور گردن و زیر گلوئی خود را بپوشاند (پشمی، ۱۳۸۷: ۲۱۴). منظور از این نوع پوشش این است که زنان چنان با مراقبت جامه های خود را بگیرند که نشان دهند اهل عفاف و پاکدامنی هستند.

اسلام با طرح حجاب بانوان برگزیده ترین راه را برای حضور اجتماعی زنان پیشنهاد داده همانطور که در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) اینگونه آمده: «یا عباد الله انتم کالمرضى و رب العالمین کالطیب فصلاح المرضی فیما یعلمه الطیب و تدبیره به لا فیما یشتهیه المرضی و یقترحه الا فسلموا الله امره تکونوا من الفائزین» (نوری، ۱۴۰۸ ج ۳: ۱۷۷) ای بندگان خدا شما چون بیماران و خداوند جهانیان مانند طیب است پس صلاح بیمار را طیبش می داند و در تدبیر و تشخیص پزشکی است نه در تمایلات بیمار، پس تسلیم دستور او باشید تا از رستگاران باشید. آراستگی گاه در امور معنوی است که انسان روح خود را به صفات نیک آراسته و از صفات زشت می پیراید و گاه در امور جسمانی و مادی است که ظاهر را به زیبایی آراسته می کند (طاهری نیا، ۱۳۸۷: ۲۲). دین اسلام در بعد تشریح نیز، نه تنها آرایش و زینت کردن را منع نمی کند بلکه به این کار سفارش می کند و فرموده: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف، ۳۱) ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید!

خطاب «یا بنی آدم» عام است و با تمام زنان و مردان مومن است و منظور از زینت، لباس پوشیدنی یا هر چیزی است که باعث زینت و جمال انسان شود مانند شانه کردن مو، عطر زدن، استفاده از انگشتر و یا هر چیز دیگری است که باعث زیبایی وی شود. مسجد هم به عنوان محل عبادت و مکان اجتماع مسلمانان آورده شده زیرا که در صدر اسلام مسجد مکانی برای نشست و برخاست و حل مشکلاتشان بود (طباطبائی، ۱۳۷۴ ج ۸: ۸۴).

الگوپذیری و تقلید در پوشش و آرایش از دیدگاه اسلامی

هرچند که الگوپذیری و تقلید به خودی خود مذموم نیست، اما بسیاری از مصادیق تقلید، دارای قابلیت منفی بوده و از چهارچوب عقل و منطق خارج است. از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند:

«باید هر کس بداند که در دین خود از چه کسی تقلید میکند و چه کس واسطه میان او و آفریننده اش شده است که آن واسطه یکی بیش نیست و دیگران شیطانهای هستند باطل گو و فریبا و گرفتارکننده ...» (نعمانی، ۱۳۶۲: ۱۵۱).

باید از لباس‌ها و آرایش‌هایی که نشانه وابستگی به فرهنگ بیگانه و خرده فرهنگ‌های انحرافی است، اجتناب کرد، از این رو در روایات چنین آمده که:

اوحی الله الی نبی من انبیائه ان قل لقومک لا تلبسوا لباس اعدائی و لا تطعموا مطاعم اعدائی و لا تشاکلوا بما شاکل اعدائی فتکونوا اعدائی کما هم...؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ ج ۱۵: ۱۴۶) خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو، لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا نخورند و خود را به شکل دشمنان من در نیاورند (یعنی به شکل مشرکین و کفار) چون اگر این کار را بکنند، آنها هم دشمنان من هستند. همان طوری که آن کفار و مشرکین دشمن من هستند.

در آموزه‌های دین مبین اسلام، آن کس که از رفتار و کردار گروهی تبعیت کند و خود را بدانها شبیه سازد از آنها به شمار می‌آید: «من تشبه بقوم عدّ (یا: فهو) منهم» (مغربی، ۱۳۸۵ ج ۲: ۵۱۳) و ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ج ۱: ۱۶۵)، و این زنگ خطر بسیار مهمی است برای جوامع مسلمان، که خود را از قید تقلید و پیروی از فرهنگ‌های وارداتی و غیردینی برهانند تا مشمول موضوع این روایات نباشند. رهبر معظم انقلاب این مسئله را در بیانات خود تحت عنوان تقلید فرهنگی بررسی کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند:

«تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است، اما منظور این نیست که بنده با مُد و تنوع و تحول در روش‌های زندگی مخالفم؛ نخیر، مُدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم‌چشمی رقابتهای کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا میکند، مانعی هم ندارد؛ اما مواظب باشید قبله‌نمای این مُدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است. اگر مدیست‌های اروپا و امریکا در مجلاتی که مُدها را مطرح میکنند، فلان‌طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید این‌جا در همدان یا تهران یا در مشهد آن را تقلید کنیم» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، ۱۳۸۳)

ایشان بارها با تأکید بر لزوم جهت‌دهی به گرایش‌های عمومی در جامعه، توجه مراجع فرهنگی را به فرهنگ‌سازی در این زمینه و ساخت و طراحی داخلی در زمینه پوشش و آرایش جلب نمودند:

«خودتان طراحی کنید و خودتان بسازید. من می‌خواهم بگویم اگر شما موی سرتان را می‌خواهید آرایش کنید، اگر می‌خواهید لباس بپوشید، اگر می‌خواهید سبک راه رفتن را تغییر دهید، بکنید؛ اما خودتان انجام دهید؛ از دیگران یاد نگیرید. بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه‌ی طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیاید یک لباس ملی درست کنیم».

تشبه به کفار از خرده فرهنگ‌هایی است که ریشه در خودباختگی داشته و رفتاری ناشی از خود کم‌بینی است. این مسئله منجر به نفوذ فرهنگ بیگانه و کمرنگ شدن باورها و سنت‌های بومی گردیده و آثار اجتماعی و فرهنگی آن در درازمدت، پدیده‌ای به نام «تهاجم فرهنگی»

و در نتیجه فساد اخلاقی و انحطاط را به ارمغان خواهد آورد. پرهیز از هرگونه تقلید بی ثمر و غیرلازم از بیگانگان، از دستورات اکید اسلامی است که باید با دقت فراوان و بررسی همه جانبه مورد توجه قرار گیرد.

پوشش و آراستگی و مد گرایی در نظام خانواده

لباس و آراستگی نمادی از فرهنگ جامعه است. این نماد و شاخص فرهنگی در قالب خرده فرهنگها و سنتهای بومی و محلی بیشتر تجلی می کند چنانکه برای بازشناسی فرهنگهای مختلف از یکدیگر می توان از الگوی پوشش آنان بهره گرفت. در گذشته، نوع لباس افراد، نشانگر تعلق آنها به قوم یا قبیله خاصی بوده است، زیرا لباس علاوه بر کارکردهای فردی، پیامدهای اجتماعی گسترده ای نیز به همراه دارد. لباس در میان افراد جامعه نوعی منزلت و شخصیت اجتماعی را بوجود می آورد که یکی از جنبه های منفی استفاده از آن، ایجاد تفاخر و چشم هم چشمی است. همچنین این مقوله یک ابزار مهم در جهت نفوذ فرهنگی در جوامع محسوب می شود که قدرتهای سلطه طلب و استعمارگر از این اهرم بنحو گسترده ای برای نفوذ فرهنگی در جوامع و گسستگی نظام خانواده استفاده می کنند. (نوری، ۱۳۸۱: ۱۲۸) ترویج مدهای مختلف و ارزش قلمداد شدن جذابیت های ظاهری در رسانه های غرب، تأثیر دامنه داری بر فروپاشی سنت ها و فرهنگ دینی در جوامع مسلمان داشته که در این مختصر، مجال پرداختن بدان وجود ندارد.

هنگامی که تاریخ باستان هر ملت و تصاویر و مجسمه های به جای مانده از آنها را مورد مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که میان لباس زن و مرد تفاوت وجود دارد. پس می توان اینگونه گفت که: «خود زن ستر و پوشش را با یک نوع الهام فطری برای محفوظ ماندن و بالا بردن منزلت و موقعیت خود اختراع و انتخاب کرده است.» (نوری همدانی، ۱۳۸۴: ۳۵۵) دین مبین اسلام که دین فطرت است، حجاب را برای زن برگزیده، همانطور که در آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب، اینگونه آمده است، خود این پوشش یک نوع دورباش است که چشم طمع را از حریم آنها دور می کند (طباطبائی، ۱۳۷۴ ج ۱۶: ۳۴۱).

در کنار مسئله تأثیر متقابل فرهنگ و لباس بر یکدیگر، اثرگذاری اصول و ارزشهای اسلامی را بر الگوی پوشش بسیاری از زنان ایرانی نمی توان نادیده گرفت. پابندی گروه قابل توجهی از زنان ایرانی به باورهای دینی و اصول ارزشی اسلام موجب شده است در کنار سلائیق فردی، هنجارها و عوامل تجاری از جمله تبلیغات، قیمت، مد و...، تعالیم دینی تأثیر زیادی بر فرهنگ مصرف پوشاک آنان داشته باشد. باورهای دینی به دلیل عمومیت داشتن در میان افراد، قرار گرفتن در اعماق فکر و جان آدمی و نیز تأثیر گسترده بر ابعاد مختلف زندگی انسان، از اهمیت دو چندان برخوردار است. عوامل تجاری در یک فرآیند مقطعی و محدود می توانند بر الگوی مصرف تأثیر گذار باشند اما هیچگاه همانند انگیزه های ناشی از باورهای اصیل دینی نمی توانند پایدار باشند (نوری، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

شاید بتوان گفت نهاد خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است که در سلامت و استحکام خانواده نقش اساسی ایفا می کند. در دنیای کنونی پنج نیاز اساسی سبب کشش زن و مرد به سوی یکدیگر و تشکیل خانواده می گردد: نیازهای جنسی، نیاز به بقای نسل پاک، نیاز به جنس خاصی از احساسات و عواطف و آرامش روانی، نیاز به اجتماعی کردن فرزندان، نیاز به حمایت عاطفی و محبت آمیز پدرانه و مادرانه برای فرزندان. افزایش گسترده جذابیتها جنسی در خارج از روابط زناشویی در خانواده به منظور تأمین نیازهای جنسی به تأمین چهار نیاز دیگر که تنها از طریق نهاد خانواده قابل حصول است، آسیب جدی وارد می کند. تأمین نشدن مناسب این نیازها سلامت و استحکام حیات اجتماعی را به مخاطره می اندازد. میزان بالای طلاق که در برخی کشورها تا ۵۰ درصد رسیده است، میزان بالای زنان هرگز ازدواج نکرده، میزان بالای فرزندان نامشروع، میزان بالای بیماریهای روانی ناشی از کمبود محبت، میزان بالای انحرافات اجتماعی در سطح جهانی نشانه هایی از آسیب رسیدن جدی به نهاد خانواده است (رضائی، ۱۳۸۲، ش ۴۶: ۵۸).

وقتی قانونمندی الهی خانواده بین زوجین پذیرفته نشود و انسان مجاز باشد بر اساس آزادی اراده خود هنجارهای دینی و اخلاقی را نقض کند و زیر پا بگذارد و روابط جنسی تنها براساس میل فردی تعریف و تنظیم شود و اراده خدای بزرگ در این ساماندهی مهم و بنیادین هیچ موضوعیت نداشته باشد، روابط جنسی به جای صلاح جنسی به سوی فساد جنسی پیش می رود و رفته رفته زن ابزار دست ثروتمندان فساد پیشه می شود که هر چه بیشتر و بیشتر از جنس انسان کالایی جهت تکاثر مالی و لذت جنسی بهره برد و به بهانه آزادی و تساوی زن و مرد در مجموعه ای از شرایط نابرابر جنس زن را به استثمار جنس مرد در آورد و تأمین همسر و همتا بودن زن به مرد کم رنگ شود و زن وسیله ای برای بهره وری مالی و جنسی در آید و بافت جامعه در اثر انحطاط خانواده متزلزل، ناهمگون و به هم ریخته شود و زمینه برای جرم و فساد هر چه بیشتر و بیشتر فراهم شود (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۱۲).

نتیجه گیری

مدگرایی از هنجارهای بسیار حائز اهمیت جوامع امروزی است که مشهودترین نمود آن را می توان در جلوه های ظاهری پوشش و آرایش آن هم به خصوص در قشر جوان جامعه و بخصوص زنان، مشاهده نمود. پدیده مد و مدگرایی را می توان در هر جامعه و فرهنگی مشاهده نمود که عموماً از پیدایش تا افول پنج مرحله را شامل پیدایش، معرفی، تبلیغ، تولید انبوه، و مرحله تقاضا طی می نماید و پس از مدتی معمولاً با مد دیگری جایگزین می گردد. این پدیده پیامدهای بسیاری را برای جوامع مسلمان به ارمغان آورده است که از آن جمله، ضدیت با آموزه های فرهنگ دینی در بسیاری از موارد آن است. البته پیروی از الگو امری اجتناب ناپذیر است که در بسیاری از مواقع، ضروری نیز به نظر می رسد، اما به دلیل آنکه

این امر، در میان عامه مردم به خصوص زنان جوان، به صورت ناخودآگاه صورت می پذیرد، می تواند آفات و مضراتی را به همراه داشته باشد. اگر جوانان و به طور خاص زنان، به جای پیروی از هنجارهای اجتماعی بومی فرهنگ خود و تأثیرپذیری از فضای خانواده، به دلیل خلأها و ضعفهای موجود به دنبال الگوهای ناسالم و ناهمگون با فرهنگ دینی و بومی جامعه خود رفته و در تسلسل پیروی از مدهای روز گرفتار گردند، فضای عمومی جامعه رویه جبران ناپذیری را در پیش خواهد گرفت که به هیچ عنوان با اهداف و آموزه های دینی همخوانی نداشته و عواقب آن دامنگیر همه خواهد شد. البته در فرهنگ اسلامی ما به خصوص در مبانی دینی تشیع، بر خلاف فرهنگ غربی الگوهای ایده آل و آسمانی معرفی شده اند که پیروی از آنان، با توجه به منابع و متون متعدد در این خصوص، ممکن و بلکه لازم شمرده شده است و به همین دلیل، استخراج چهارچوب رفتاری این الگوها و اسوه ها بسیار ضروری به نظر می رسد. آنچه در موضوع این نوشتار اهمیت دارد، تبیین الگوهای رفتاری شخصیت های دینی و اسلامی در خصوص موضوع پوشش و آراستگی زنان و مردان است که مصادیقی از آن در متن ارائه شده است. همچنین ضرورت عدم پیروی از الگوهای پوشش و آرایش غیرمسلمانان از دستورات دینی است که توجه به آن، جامعه را از افتادن در دام مدگرایی افراطی و برگشت ناپذیر نجات خواهد داد. توجه به تقویت مؤلفه های دینی و اجتماعی نظام خانواده در اسلام از ضرورت های این بحث است که اهمیت آن به دلیل، نقش خانواده در ساخت شخصیت جوانان و بالاخص دختران، بر کسی پوشیده نیست.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبۀ الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغۀ لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبۀ آیۀ الله المرعشی النجفی، قم.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیۀ، تحقیق: مجتبی عراقی، دار سیدالشهداء للنشر، قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا، مستفید و غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ اول.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الإسلام، آصف فیضی، مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم. ج ۱، ص ۲۹۸.
- بابایی، احمد علی (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سیزدهم.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعۀ، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول.

- پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحة، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم.
- پشمی، منیر (۱۳۸۷). «نحوه پوشش و حضور اجتماعی زنان»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲). إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، الشریف الرضی، قم، چاپ اول.
- رضایی، محمد حسین (۱۳۸۲). «تحلیل جامعه شناختی پوشش اسلامی»، فصلنامه مصباح، شماره ۴۶.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶). «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۸.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الأخبار (لشعیری)، مطبعة حیدریه، نجف، چاپ اول.
- طاهری نیا، احمد (۱۳۸۷). «پوشش و آرایش از دیدگاه اسلام»، فصلنامه طهورا، شماره ۱.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، انتشارات اسلامی، قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۴). مکارم الاخلاق، مترجم: میر باقری، ابراهیم، ناشر فراهانی، تهران، چاپ دوم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲/۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، قم، چاپ چهارم.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۴۴). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، المكتبة الحیدریه، چاپ دوم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الإحتجاج علی أهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). الغیبة، دارالمعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، راه رشد، تهران، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). مسأله حجاب، نشر صدرا، تهران، چاپ ۱۰۱.
- مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الإسلام، تحقیق: آصف فیضی، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم.
- مهدی زاده، حسین (۱۳۸۲). حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، قم.
- موسوی، سید حسن (۱۳۹۲). آراستگی و مد گرایی، دفتر نشر معارف، قم، چاپ اول.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲). الغیبة، ترجمه: احمد فهري زنجانی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۴). جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود (عج)، قم، چاپ چهارم.

- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، بی جا.
- نوری، علی رضا (۱۳۸۱). «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن»، مجله پژوهش های حقوق اسلامی، شماره ۸ و ۹.
- هاشم زاده، حسین (۱۳۸۹). «بررسی پدیده مد و مدگرایی»، خبرگزاری فارس، شماره ۶/۱۰/۱۳۸۹، ۸۹۱۰۰۵۰۴۶۳.
- واگو، استفان. درآمدی بر تئوری ها و مدل های تغییرات اجتماعی، ترجمه: احمد رضا غروی زاد (۱۳۷۳). انتشارات جهاد دانشگاهی، قم.
- وندرزندن، جیمز ویلفرید. روانشناسی رشد، ترجمه: حمزه گنجی (۱۳۸۶). مؤسسه نشر ساولان، تهران، چاپ سوم.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) (۱۳۸۳/۰۴/۱۷). بیانات رهبر انقلاب، در دیدار جوانان و دانشجویان دانشگاه های استان همدان <http://khamenei.ir>

Reviewing the Religious Bases of Fashion Aesthetics in Dressing and Make up

*S. H. Hossieni

**F. Khormaei

Abstract

Fashion in dressing and make up is one of the social issues that affected many communities especially in the current century. The extreme fashion could lead to the destruction of the traditional social texture. Tendencies to follow the model were considered as the fashion reasons. The research was intended to explain the behavioral patterns of the Islamic and religious characters with respect to dressing and beautification and provide some examples in the women society. The research method was a descriptive – analytical approach and referred to written sources in addition to Quran verses and traditional interpretation written by contemporaries. Diversitism and esthetics beauty seeking were considered as fashionism correlated variables. In addition to such variables, the capitalistic widespread advertisement for consumerism also was taken as other cause for stylist fashion. Multiple medias today, targeted human natural needs especially hijab(veiling coverage) as dotty and culture and trying to expand and develop the nudity in the context of the ongoing fashion. Fashion trends tend to self glorification that the Holy Quran has mentioned it and avoid its adornment.

Keywords: religious bases, fashion aesthetics, dressing, women make up

*Assistant Professor, Department of Quran Sciences and Hadith, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding author, email: shesamhosseini@yahoo.com)

**M. A. in Quran Sciences and Hadith. Religion Priciples University, Dezful, Iran

This article is extracted from M. A. dissertation of Ms Fatemeh Khormaei